## فهرست:

[خطبه اول 3](#_Toc451115419)

[توصیه به تقوا 3](#_Toc451115420)

[زندگی امام جعفر صادقسلام الله علیه 3](#_Toc451115421)

[ولادت و شهادت حضرت 3](#_Toc451115422)

[شاخصه‏های سیاسی دوران امامت ایشان 4](#_Toc451115423)

[شاخصه‏های فرهنگی دوران امامت ایشان 4](#_Toc451115424)

[وجه تسمیه مذهب جعفری 4](#_Toc451115425)

[فعالیت عمده‏ی امام صادقعلیه‏السلام در دوره‏ی انتقالی و فطرت حکومت 5](#_Toc451115426)

[تعداد شاگردان و اصحاب حضرت 6](#_Toc451115427)

[برخی از اصحاب حضرت 6](#_Toc451115428)

[زُرارۀ بن أعیَن 7](#_Toc451115429)

[برادران و فرزندان زُراره 7](#_Toc451115430)

[مقامات زُراره 7](#_Toc451115431)

[کلام جمیل بن دَرّاج در عظمت زُراره 8](#_Toc451115432)

[تعابیرِ روایات در خصوص زُرارۀ 9](#_Toc451115433)

[زُراره از جهات دیگر 10](#_Toc451115434)

[محمد بن مسلم 10](#_Toc451115435)

[ابوحمزه‏ی ثمالی 10](#_Toc451115436)

[نتیجه گیری 11](#_Toc451115437)

[خطبه دوم 12](#_Toc451115438)

[توصیه به تقوا 13](#_Toc451115439)

[تشکر از بسیجیان 13](#_Toc451115440)

[تشکر از مردم 13](#_Toc451115441)

[سوم اسفند 14](#_Toc451115442)

[کودتای رضا خان در سوم اسفند 1299 14](#_Toc451115443)

[علل موفقیت کودتای رضا خان 14](#_Toc451115444)

[علل سرعت ارتقای سیاسی رضا خان 16](#_Toc451115445)

[تشکیل مجلس مؤسسان و انقراض قاجار و تأسیس پهلوی 16](#_Toc451115446)

[اهداف انگلیس در ایران 17](#_Toc451115447)

[اقدامات رضا خان پس از سلطنت 17](#_Toc451115448)

[نتیجه گیری 17](#_Toc451115449)

[توصیه به مردم و نسل جوان 18](#_Toc451115450)

[دعای پایانی 19](#_Toc451115451)

## خطبه اول

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوا

همه‏ی شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به پارسائی، اجتناب از گناه، تهذیب نفس، شُکر و ذِکر خداوند در همه‏ی حالات سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم خداوند به برکت اولیاء و مقرّبانِ درگاهِ خودش، به همه‏ی ما توفیقِ بندگیِ خالصانه، پارسایی در این دنیا و احتراز از گناه، عنایت بفرماید.

## زندگی امام جعفر صادق علیه‏السلام

به مناسبت شهادت امام جعفر صادقعلیه‏السلام چند نکته پیرامون زندگی ایشان و بعضی از اصحاب و یاران بزرگ آن حضرت، در این خطبه مطرح می‏شود؛ اگرچه موضوعِ بحثِ هفته‏ی قبل، اخلاص و دوری از ریا بود.

### ولادت و شهادت حضرت

همان‏طور که سال‏های قبل به مناسبت شهادت امام جعفر صادقعلیه‏السلام و در مناسبت‏های دیگر بیان شده است، در تولد و شهادت آن حضرت اختلافاتی وجود دارد و برای ولادت ایشان اقوالی بین سالهای 80 تا 83 ه.ق وجود دارد و همین‏طور در شهادت ایشان، لکن نقلِ مشهور در شهادتشان 25 شوال سال 148 ه.ق در زمان منصور دوانقی است؛ دوره‏ی امامت این امام بزرگوار حدود 34 سال و سن مبارک ایشان هم قریب شصت و چهار یا پنج سال بوده است.

### شاخصه‏های سیاسی دوران امامت ایشان

بخشی از دوره‏ی امامت ایشان، اوایل حکومتِ بنی‏عباس بود که از یک طرف به دلیل ضعفِ بنی‌عباس در ابتدای حکومتشان، آزادی فکری پیدا شد و از طرف دیگر هم کتاب‏های زیادی از زبان‏های مختلف مانند یونانی به زبان عربی ترجمه شد؛ در واقع برخورد فرهنگ‏ها در زمان امام جعفر صادقعلیه‏السلام خیلی شدید بود؛ در درون مدینه و عالَم اسلام هم اختلافاتِ فکریِ وسیع و مذاهبِ فکریِ متعدّد در مسائل فقهی، کلامی، حدیثی، تفسیری و شاخه‌های دیگر علوم اسلامی فراوان شده بود؛ بنابراین یک قسمت عمده‏ای از عصر امامت امام جعفر صادقعلیه‏السلام از نظر سیاسی در زمان شروع حکومت و ضعف بنی‏عباس بوده است. این‌ها مشخصه‏ی عمده‏ی زمان ایشان از نظر سیاسی بود.

### شاخصه‏های فرهنگی دوران امامت ایشان

از نظر بیرونی و خارج از اسلام، ورود فرهنگ‏های بیگانه به قلمرو اسلام و از نظر داخلی هم مذاهب و فِرَقِ متعدّد و گوناگون پیدا شده بودند.

شیعه همیشه در ضعف، اقلّیت و تحت فشار بوده است لکن در اواخرِ دورانِ امام باقر و اوایل امام جعفر صادقعلیهماالسلام،شرایطی فراهم شد که فرهنگِ شیعه در مسائل کلامی، فقهی، حدیثی و تفسیری، بارور شود؛ این‏ها نکات روشنی است که قبلاً با شواهد تاریخی در خطبه‏ها بیان شده‏اند.

### وجه تسمیه مذهب جعفری

برای شیعیان و پیروان مکتب پرافتخار اهل‏بیتعلیهم‏السلام زندگی امامان و خصوصاً اواخر عصر امام باقر و اوایل امام جعفر صادقعلیهماالسلام عصرِ بسیار پر افتخاری است و سرمایه‏ی اصلیِ شیعه و فکر و فرهنگ شیعه، عمده‏ی روایات، کلام، فقه، تفسیر و فرهنگ شیعه برای این زمان است فلذا امام جعفر صادقعلیه‏السلام به لقبِ رئیسِ مذهب و شیعه را به مذهب جعفری نامیده‏اند.

هم‏چنین علت نامیده شدن شیعه به مذهب جعفری این است که امام جعفر صادقعلیه‏السلام در یک نقطه‏ی عطف و مرحله‏‏ی بسیار حساسِ تاریخِ شیعه قرار داشته‏اند؛ در واقع می‏توان گفت امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و بخش زیادی از امامت باقرعلیهم‏السلام در اختناق، فشار و تحمیل‏های بیرونی بود و هیچ فرصتی برای فعالیت‏های فرهنگی فراهم نبود.

در یک مقطع بسیار کوتاه، سریع و گذرا که بنی‏امیه منقرض شده بودند و بنی‏عباس هم که به اسم ائمهعلیهم‏السلام روی کار آمده بودند، استقرار کامل و آن قوت لازم را نداشتند، امام صادقعلیه‏السلام فرصت را مغتنم شمردند و پایه‏های فکر، فقه، فرهنگ و حدیث شیعه را استوار نمودند؛ از این جهت است که مذهب شیعه، مذهب جعفری نامیده می‏شود؛ می‏توان گفت بیش از هفتاد یا هشتاد درصد از روایات فقهی، کلامی، اعتقادی و فرهنگیِ غنیِ شیعه که افتخار ماست، مربوط به همین دوره‏ی ده یا بیست ساله‏ی فطرت بنی‏امیه و بنی‏عباس است که بخشی در دوره‏ی امام باقرعلیه‏السلام و بخش اعظم آن در دوره‏ی اول امامت[[3]](#footnote-3) امام صادقعلیه‏السلام‏ بوده است.

### فعالیت عمده‏ی امام صادقعلیه‏السلام در دوره‏ی انتقالی و فطرت حکومت[[4]](#footnote-4)

امام صادقعلیه‏السلام از فرصتِ پیش آمده در دوره‏ی فطرتِ حکومت، بهره بردند و جمع زیادی از شاگردان، فقهاء و اصحاب را در شاخه‏های مختلف علمی تربیت کردند که احادیث، فکر، فرهنگ و حدیثِ شیعه از طریق اصحاب تربیت شده در زمان امام باقر و امام صادقعلیهماالسلام تربیت شدند، منتشر شد؛ بنابراین یک فعالیت عمده‏ی امام صادقعلیه‏السلام در دوره‏ی انتقالی و پربار امامتشان، کارِ فرهنگی، تربیت شاگردان و انسان‏هایی بود که اسلام و شیعه را به‏درستی حفظ کنند و این میراث گران‏بها را به نسل‏های بعدی بسپارند.

در اواخر دوره‏ی امامتشان با منصور دوانقی که قدرت پیدا کرده بود و از ظاهرنماییِ اولِ حکومت هم بیرون آمده بود و رسماً به جنگ امام صادقعلیه‏السلام آمد، برخوردهای سیاسی داشتند ولی در عین حال از این دوره بیشترین استفاده را نمودند و هرچه داریم مربوط به همین دوره است.

### تعداد شاگردان و اصحاب حضرت

شمار شاگردان حضرت امام صادقعلیه‏السلام تا چهار هزار نفر ذکر شده است لکن تعدادی که نام آن‌ها در تاریخ ثبت و ضبط شده است، حدود هزار نفر می‏شود. جهت سنجیدن کمیت شاگردان حضرت، باید نسبت به همان زمان و جمعیتِ اندک، ارتباطاتِ مشکل و فشارهای حکومتی علی رغم آزادی نسبی سنجیده شود و نباید نسبت به زمان حال قیاس شود.

اهل تسنّن و به‌عنوان‌مثال یکی از بزرگان اهل سنّت نقل کرده است که امام صادقعلیه‏السلام تا نهصد شاگرد سطح بالا و بزرگ دارد؛ خیلی از شاگردان از بزرگان اهل تسنّن بوده‏اند؛ مثلاً مالک بن انس، رئیس مذهب مالکی یا ابوحنیفه رئیس مذهب حنفیه که از مذاهب بزرگ برادران اهل تسنن هستند و خیلی دیگر از بزرگان اهل تسنن که به عنوان شاگرد حضرت بودند.

### برخی از اصحاب حضرت

آنچه در این خطبه و فرصتِ کوتاه (با توجه به مقدمه‏ی بیان شده) می‏خواهم به آن بپردازم اشاره‏ای به چند تن از چهره‏های بزرگ و شاگردان مُبَرَّز و برجسته‏ی امام صادقعلیه‏السلام است که می‏توانند برای همه الگو باشند و آشنایی با آنها بسیار ارزشمندست.

روال کار بدین شکل بود که شاگردان و خود حضرات در مسجد جمع می‏شدند و شاگردان، حدیث می‏شنیدند و علم یاد می‏گرفتند؛ البته عده‏ای از شاگردان وقتی پروررش می‏یافتند در مدینه می‏ماندند و عده‏ای هم به شهرهای دیگر یا اطراف مدینه می‏رفتند و مبلّغِ فرهنگِ اسلام و تشیّع می‏شدند.

#### زُرارۀ بن أعیَن

یکی از چهره‏ها و شاگردان بسیار برجسته، شاخص و صاحب فکر و فرهنگ متعالی، راوی مشهوری به نام **«زُرارۀ بن أعیَن»** است؛ زُرارۀ هزاران حدیث را از امام باقر و صادقعلیهما‏‎السلام روایت کرده است. زُرارۀ از یک خانواده‏ی شیعی و از نزدیکان به اهل بیتعلیهم‏السلام است که چهره‌های بسیار بزرگی را معرفی کرده است.

زُراره در علم و عبادت از معدود افراد زمان امام صادقعلیه‏السلام بوده است و در واقع در آن دوره جمعی از شاگردان توسط امام تربیت شدند که اینها مخزنِ فرهنگِ تشیّع و پرچمِ پرافتخارِ فقه، حدیث، کلام و علوم شیعه را به دوش کشیده‏اند و نسل به نسل به نسل‏های بعدی سپردند و حفظ کردند؛ در رأس و یکی از شاخص‏ترین اینها زُراره است که از اصحاب امام باقر و صادقعلیهم‏‏السلام بوده و مدت کوتاهی هم از عصر امام کاظمعلیه‏السلام را درک کرده است و اوایل امامت امام کاظمعلیه‏السلام، از دنیا رفته است و در اواخر عمر هم در مدینه نبوده است و نسبت به امام صادقعلیه‏السلام اوج نزدیک بودن را دارد و از مهم‏ترین شاگردان ایشان است.

##### برادران و فرزندان زُراره

زُرارۀ چند برادر داشت که همگی از چهره‌های ممتاز و در ارتباط با ائمهعلیهم‏السلام بودند و در فکر، حدیث و فرهنگ شیعه دارای فکر و صاحب نظر بودند؛ زُراره در بین برادرانش ممتازترین است و شخصیت بارزتری نسبت به بقیه برادرانش دارد؛ هم‏چنین زُرارۀ، خودش، چند فرزند پسر داشت که چند نفرشان از رُوات، اصحاب بزرگ و نزدیک به ائمهعلیهم‏السلام بودند؛ به اینها «آل أعیَن» می‏گویند.

##### مقامات زُراره

اگر بخواهیم عده‏ای از شاگردان رده اول و صاحب‏فکرانِ زمانِ ائمهعلیهم‏السلام را در حدیث و رجال شیعه نام ببریم، نامِ زُراره در رده‏ی اول می‏درخشد و اصولاً خانواده‏ی زُراره (برادران و چند تن از پسران او)، همه اهل حدیث و کلام و از صحابه و شاگردانِ ائمهعلیهم‏السلام بوده‏اند؛ اما او مثل یک خورشیدی است که بین ستاره‏ها درخشندگی دارد؛ هم‏چنین اگر روایاتِ فضایلِ زُراره و مقاماتِ معنوی، علم و دانش او را ببینید، خواهید دید که از همان جوانی با امام باقرعلیه‏السلام ارتباط پیدا کرده و وارد مسائل علمی، فکری و فرهنگی شده است؛ هم‏چنین در دوره‏ی امام صادقعلیه‏السلام به پختگی رسیده است؛ جهتِ درکِ بهترِ جلالتِ شأنِ این صحابه‏ی بزرگ که می‏تواند برای ما و جامعه الگو باشد چند نمونه از نظرات دیگران در خصوص ایشان را که می‏تواند ما را با تاریخ آن زمان هم آشنا کند، بیان می‏کنم:

##### کلام جمیل بن دَرّاج در عظمت زُراره

جمیل بن دَرّاج، فقیه و عالم بسیار بزرگ، راوی، محدّث و از شاگردان مهم زمان امام باقر و صادقعلیهماالسلام است که روحانیون اسم ایشان را در کتب رجالی زیاد دیده و شنیده‏اند؛ جهت درک و فهمِ مقامِ زُراره، می‏توان از کلام جمیل بن دَرّاج که خودش از فقهاء و محدثین نام‏آور و بزرگ بوده است، استمداد جست؛ شخصی از قول جمیل بن دَرّاج درباره‏ی عظمت زُراره نقل می‏کند:

«خدمت جمیل بن درّاج در حلقه‏ی درس بودیم که کسی از شاگردان خطاب به جمیل گفت: تو چقدر علم داری، چقدر خوش بیانی، خوش سخنی و ... خلاصه از استاد خودش تعاریف بسیاری کرد؛ جمیل در جواب این شخص (و در عظمت و بزرگی زُراره) می‏گوید:

تعریف و تمجیدهایت همه درست، لکن من یک جمله می‏گویم و آن اینکه همه‏ی ما (جمیل بن درّاج و عده‌ای از علمای بزرگ زمان امام صادقعلیه‏السلام) در قیاس با زُراره، مثل بچه‏های مکتبی بودیم که تازه باید می‏رفتیم درس می‏گرفتیم.»

یعنی آن قدر زُراره جلالت شأن و چهره‏ای بارز و ممتاز از نظر فکری و اخلاقی داشت که شخصیت بزرگی مانند جمیل بن درّاج می‏گوید:

«ما در مکتب، محضر و پیش پا و درس زُراره همچون اطفالی بودیم.»

در مراجعه به روایات هم می‏بینیم که امام صادقعلیه‏السلام اعتماد والایی به زُراره داشتند؛ بنابر آنچه نقل شده و مشهور است، حضرت فرمودند:

«اگر زُراره نبود آثار نبوت و دین از بین می‏رفت.»

باید دقت شود که اینجا، بحث شخصیت معصوم نیست که بگوییم مقامِ معصوم، محفوظ است و ما نمی‏توانیم به آن مقام برسیم؛ خیر، بحث شخصیتی است که خاندان او مسلمان و فرهنگی شده‏اند و چهره‏های بزرگی از آنها پیدا شده است؛ لذا زُراره هم یک فرد معمولی بوده که در محضر امام صادقعلیه‏السلام به این مقام رسیده است؛ بنابراین راه برای همه، در سیرِ مدارجِ کمال، باز است.

##### تعابیرِ روایات در خصوص زُرارۀ

در روایات متفاوت تعابیری در مورد زُراره و چند نفر دیگر مانند محمد بن مسلم، ابوبصیر و بُریر بن معاویه وارد شده است؛ مثلاً فرموده‏اند:

«اینها اوتادند و میخ‏های فکر و فرهنگ شیعه و نجباء هستند.»

یا در تعبیر دیگری فرموده‏اند:

«لولا هؤلآء انقطعت آثار النبي اگر این چند نفر نبودند آثار نبوت از بین می‏رفت و چیزی از آثار دین و شیعه باقی نمی‏ماند.»

شخصی معمولی و غیرمعصوم آمده و در محضر امام صادقعلیه‏السلام به این مقام رسیده است و این از نظر علمی است و هزاران حدیث از زُراره رسیده است و کسانی که با کتب حدیثی آشنا هستند، می‏دانند که اگر بنا باشد روایات و احادیثی را که زُراره در فقه، احکام و معارف دیگر نقل کرده است، از کتاب‏ها حذف کنیم، درصد بالایی از فکر و فرهنگ ما از بین می‏رود؛ یعنی تا این حد، این شخصیت بزرگ، در گسترش معارف اسلامی و آشنا کردن جامعه با دین و معارف دینی، نقش و تأثیر داشته است.

##### زُراره از جهات دیگر

علاوه بر جهت علمی، کلامی، حدیثی و آن همه درجات علمی و حق عظیمی که بر شیعه برای حفظ این میراث بزرگ دارد، در جهات اخلاقی، معنوی، نظم و انضباط نیز از نمونه‏ها بوده است؛ شخصی نقل کرده است که:

«من وقتی زُراره را می‏دیدم نظم، انضباط، حرف زدن و همه‏ی رفتارش نمونه بود؛ سخنی بیجا نمی‏گفت؛ اهل عبادت بود؛ اخلاق بسیار خوبی داشت.»

#### محمد بن مسلم

یکی دیگر از اصحاب به‌نام و بزرگِ امامِ صادقعلیه‏السلام، محمد بن مسلم است؛ خود ایشان نقل کرده است که:

«من سی هزار حدیث از امام باقرعلیه‏السلام نقل کرده‏ام.»

و دوباره می‏گوید:

«شانزده هزار حدیث از امام صادقعلیه‏السلام نقل کرده‏ام.»

در واقع محمد بن مسلم، شانه به شانه‏ی زُراره می‏زند و این دو نفر آن قدر روایت دارند که بخش مهم و عظیمی از مسائل فقهی، کلامی و اعتقادی شیعه به این دو نفر (زُراره و محمد بن مسلم) برمی‏گردد.

#### ابوحمزه‏ی ثمالی

یکی دیگر از صحابه‏ی باعظمت ابوحمزه‏ی ثمالی است؛ دعای ابوحمزه‏ی ثمالی که در مفاتیح است و در شب‏های ماه مبارک رمضان خوانده می‏شود، از ایشان نقل شده است؛ ایشان هم محضر چهار امام را (از امام زین‏العابدین تا موسی بن جعفرعلیهم‏السلام) درک و شاگردی کرده است و از چهره‏های با عظمت و درجه اول حدیث و روایات است که دعایی با آن عظمت و مضامینِ عالی را نقل کرده است.

اینها تعدادی از شاگردان و اصحاب برجسته و مبرَّز امام صادقعلیه‏السلام بودند که هر کدام در جهتی و تخصصی برجستگی و امتیاز داشتند؛ مثلاً هشام بن حکم، در مسائل کلامی برجسته‏تر بود که در وقتی دیگر در مورد او صحبت خواهیم کرد؛ این چند نفر از صحابه‏ی بزرگ بودند که از نظر حدیث و مقدار حدیث کمتر کسی به پای زُراره و محمد بن مسلم می‏رسد و آن قدر بزرگ شدند و پیشرفت کردند که حضرت در وصفشان فرمودند:

«آثار دین با اینها باقی مانده است.»

### نتیجه گیری

سیاست ائمهعلیهم‏السلام این بود که چنین چهره‏هایی تربیت شوند و با تربیت چنین افرادی، شیعه قدرت گرفت؛ در واقع در بحبوحه‏ی اختلافات فکری و فرهنگیِ درونِ عالَمِ اسلام و تهاجمِ فرهنگ‏های بیگانه به قلمروِ فکر و اندیشه‏ی اسلام، با تدبیر، سیاست و اعجاز امام باقر و صادقعلیهماالسلام، این افراد تربیت شدند و اسلام و تشیع با این افراد باقی ماند.

حوزه‏ها و مراکز علمی باید به این مسئله توجه داشته باشند که امام باقر و صادقعلیهماالسلام به تناسب زمان خودشان آن قدر شاگرد تربیت کردند و نورِ تشیّع و معارفِ شیعه به برکت این دو امام بزرگوار و شاگردان بزرگ این دو امام مانند ستاره‏ای می‏درخشد؛ کاری که امروز هم باید در دنیا انجام شود و دنیا واقعاً نیازمند این حرکت است.

البته وقتی در مورد همه‏ی این صحابه‏ی بزرگ به تاریخ مراجعه می‏کنیم، می‏بینیم دست‏هایی در کار است تا این چهره‏ها لکّه‏دار، مخدوش و در میان مردم، اسلام و شیعه بدنام شوند تا اینکه ساقط شوند؛ یعنی دقیقاً اینها برای اعتماد جامعه و رکن اعتقاد جامعه بودن، تربیت می‏شدند؛ مثل زُراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، محمدبن ابی‏عمیر و ... کمتر کسی داریم؛ ولی با همه‏ی این عظمت، مطالبی در مذّمت این بزرگواران نقل شده است که البته عموماً ضعیف هستند.

خود ائمهعلیهم‏السلام نیز گاهی در مقاطع فشار و اختناق به جهت گمراه کردن حکومت، یک بدگویی یا مذمتی درباره‏ی یکی از اصحابشان می‏کردند؛ در خصوص زُراره هم امام ذمی دارند که بعد فرزند زُراره خدمت حضرت آمد و علت را جویا شد؛ حضرت در جواب فرمودند:

«به پدرت اطمینان بده که او رکنِ رکین و مورد اعتماد ماست و به کار فکری و فرهنگی خودش ادامه دهد؛ من برای مصلحتی و مِن باب تقیه این جمله را گفته‏ام.»

اینها چند چهره‏ی بزرگ و برجسته‏ی عصر امام صادقعلیه‏السلام بودند؛ صدها چهره مانند اینها داریم که هر کدام از آنها برای ما الگویِ بزرگی از اخلاق و معنا هستند. هم‏چنین افراد و چهره‏های بزرگ دیگری هم هستند که در فرصت‏ها‏ و مناسبت‏های دیگر، اگر خداوند توفیق دهد در مورد هرکدام نکاتی را عرض می‏کنم.

امیدواریم خداوند ما را با اولیاءِ بزرگِ خودش و این چهره‏های نورانی آشناتر بفرماید و توفیق دست گرفتن آنها، پند و الهام گرفتن از زندگی آنها و بنا کردن زندگی خودمان بر پایه‏های هدایت و نور اهل بیت عصمت و طهارتعلیهم‏السلام را عنایت بفرماید.

«بسم اللّه الرحمن الرحیم،إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»[[5]](#footnote-5)

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[6]](#footnote-6) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوا

بار دیگر همه‏ی شما برادران و خواهرانِ نمازگزار و خودم را در جایگاه بندگی و نماز و در روزِ متعلّقِ به حضرت صاحب الزمانعج، به پارسائی و احتراز از گناه، یاد مرگ، عالم پس از مرگ، ذکر خداوند در همه‏ی حالات و یاد حضرت بقیۀ الله الأعظمارواحناله‏الفداه سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم که خداوند همه‏ی ما را از مخلصان و مقرّبانِ بارگاه خودش و عاشقان ولایت اهل بیتعلیهم‏السلام و منتظران حضرت بقیۀ الله الأعظمارواحناله‏الفداه قرار بدهد.

ابتدا شهادت ششمین ستاره‏ی تابناک ولایت و امامت از سلاله‏ی رسول گرامی اسلام، حضرت امام صادقعلیه‏السلام را به حضور شما برادران و خواهران و حضرت بقیۀ الله الأعظمارواحناله‏الفداه تسلیت عرض می‏کنم.

## تشکر از بسیجیان

از همه‏ی برادران گردان عاشوراء و الزهراعلیهاسلام و برادران بسیجی و سپاهی و مردم عزیزی که در برگزاری مانور امداد و نجات شرکت کردند و بحمدالله آن طور که گفته‏اند مانور موفق و خوبی بوده است، تشکر و قدردانی می‏کنم و امیدواریم که این آمادگیِ در صحنه، همیشه در میان جامعه‏ی ما محفوظ بماند.

## تشکر از مردم

از کسانی که پرسشنامه‏ را پر کردند و به ما دادند تشکر می‏کنم؛ هم تعریف و تمجید و هم انتقاد و پیشنهاد بود؛ برای خود من همه‏ی قسمت‏هایش، جالب و مورد توجه است؛ برخی موضوعات مطرح شده ممکن است، پاسخ‏هایی هم داشته باشد که مستقیم نمی‏توانیم به نویسنده‏ی آن جواب بدهیم یا حلّ و رفعِ برخی مسائل در قدرت ما نباشد و برخی هم ممکن است، حرف درستی باشد و ما از آن، غافل بوده‏ایم؛ بنابراین اشکالات و مباحث مطرح شده را جمع‏بندی و در یکی از خطبه‏ها بیان می‏کنیم و اگر مسئله‏ای جواب داشت، جواب می‏دهیم و انتقاداتی هم که بیان شده است، مورد توجه قرار می‏گیرد؛ همیشه گفته‏ام، انتقال مطالب، اشکال و انتقاد از طریق همین پرسش‏نامه و چیزهای دیگر، واقعاً سازنده است.

## سوم اسفند

در فرصت کوتاه باقی مانده، بحثی تاریخی راجع به مناسبت سوم اسفند شروع می‏کنم تا بیشتر موردِ توجهِ جوانان، برادران و خواهران قرار گیرد و موجبِ آشنایی بیشتر ما، با تاریخ گذشته‏ی کشورمان شود.

### کودتای رضا خان در سوم اسفند 1299

سوم اسفند 1299 ه.ش سالگرد کودتای رضا خان، فرماندهِ نیروهایِ قزاق در آن زمان است که پایه‏ی تأسیسِ سلطنتِ پهلوی و مبدأ دوره‏ای بسیار اسارت‌بار برای کشور شد؛ حوادث آن عصر جای توجه برای همه و خصوصاً نسل جوان دارد.

#### علل موفقیت کودتای رضا خان

1. سلطنت قاجار با پادشاهیِ احمدشاه که آخرین پادشاه قاجار و بسیار ضعیف الاراده و فاقد شخصیت لازم برای اداره‏ی کشور بود است، به اوج حقارت، کوچکی و سستی رسیده بود و در اثر همین سستی، اختلافات فراوانی در گوشه و کنار ایران ایجاد شده بود؛ بنابراین قبل از کودتا، بسیاری از قسمت‏های ایران در سال‏های قبل، جدا شده بود و در بسیاری از بخش‏های باقی مانده هم افرادی ادعای خودمختاری داشتند.
2. در جنگِ جهانیِ اول ایران لطمات زیادی دیده بود و نفوذ انگلیس و روسیه، ایران را مبتلا به حوادث بسیار تلخی کرده بود.
3. ایادی انگلیس و روسیه این ملت را به اسارت برده بودند و قراردادها و معاهده‏های عجیبی در اواخر سلطنت قاجار منعقد شد که کشور را واقعاً به فروش رسانده بودند؛ از زمان ناصر الدین شاه و قرارداد تنباکو که نهضت تنباکو پیش آمد تا پادشاه‏های بعدی که هر کدام در جنگی شکست خوردند و قسمتی از ایران را از دست دادند. در اواخر قاجار چندین قرارداد مانند قراردادهایی در سال‏های 1907، 1915 و 1919 م با روسیه یا انگلیس بسته شد که قراردادِ اسارت و تسلیم این ملت در برابر دشمنان شد.
4. دشمنانِ پس از دیدنِ اقتدار علماء، دین، اسلام و مردم در نهضت تنباکو و مشروطه، علماء را منکوب کردند و عده‏ای هم از سیاست دور نگه داشته شدند؛ بنابراین ضعفی در روحانیت پیش آمد که باعث شد محور وحدت مردم حذف شود و دشمن، مردم را در اختلاف، جنجال و پراکندگی نگه دارد.

در این مقطع و با توجه به دلایل گفته شده، انگلیس برای پایان دادن به وضعِ هرج و مرج و حصول امنیت، نقشه‏ای ریخت که با یک کودتای انگلیسی، سلطنت قاجار را توسطِ مهره‏ای که کاملاً در اختیار انگلیس باشد با سلطنت جدیدی عوض کند تا در این قالب به اهداف خودش برسد.

سفارتِ انگلیس در ایران، سراسرِ کشور را زیرِ نظر داشت و چهره‏های زیادی را تحتِ نفوذِ خود گرفته بودند و هر زمان یک نفر از این چهره‏ها را سرکار می‏آوردند تا مردم را همین طور در بدبختی، وابستگی و اسارت نگه دارند؛ لذا سید ضیاء الدین طباطبائی، رضا خان و چند تن دیگر از وابستگان به انگلیس، برای این کودتا، کاندیدا شدند.

دست‏های پشت پرده از دامنِ انگلیس و با واسطه و وابستگی کامل سید ضیاء الدین طباطبائی و رضا خان به انگلیس در سوم اسفند 1299 درآمد و کودتا و تهران را فتح کردند و گفتند ما همه جا را امن می‏کنیم و حکومت را به دست گرفتند و ابتدا حکومت قاجار باقی بود ولی احمد شاه را به خارجِ ایران فرستادند.

چهره‏ی اصلی که با انگلیس به توافق رسیده بود، رضا خان بود ولی ابتدا مدتی سید ضیاء نخست وزیر بود و بعد چند سالی کنار رفت؛ اواخر دوره‏ی قاجار چند نخست وزیر عوض شدند که همه وابسته به انگلیس بودند؛ ولی کسی که صاحب نفوذ بود و کارِ اصلی را انجام می‏داد، رضا خان و وزیر جنگ بود.

#### علل سرعت ارتقای سیاسی رضا خان

انگلیس برای پیش برد اهدافش، ابتدا بحث جمهوری شدن را مطرح کرد ولی بعد به دلیل افشاگری‏های مرحوم مدرّس که از همان اول رضا خان را شناخت و در مجلس با او مخالف بود، آن طور که باید شعارشان نگرفت و در اهدافشان آن طور که می‏خواستند موفق نشدند؛ لذا در سال 1302 ه.ش احمد شاه را وادار کردند، رضا خان را از وزیر جنگی به نخست وزیری ارتقاء دهد؛ پس از این ارتقاء، قدرت کامل به رضا خان منتقل شد زیرا

1. احمد شاه در ایران نبود.
2. ولی عهد آن قدرت لازم را برای مقابله با رضا خان نداشت.
3. پشتیبانی کامل انگلیس از رضا خان؛

انگلیس بنا داشت، با استفاده از تجربه‏ی مشروطه و نهضت تنباکو، به اصطلاح چهره‏ی جدیدی را بیاورد که بتواند سر و وضع دیگری به کشور دهد و ایران را کاملاً در قبضه‏ی انگلیس قرار دهد و برای این منظور هم رضا خان عامل و مهره‏ای مناسب بود؛ بدین ترتیب رضا خان به سرعت مدارج سیاسی را طی کرد.

#### تشکیل مجلس مؤسسان و انقراض قاجار و تأسیس پهلوی

پنج سال بعد از کودتای اول و در سال 1304 رضا خان با عده‏ای از انگلیسی‌ها و افرادی وابسته به انگلیس که در مجلس بودند، جهت تشکیل **«مجلس مؤسسان»** برخلاف قانون، توافق کردند و در اولین مصوبه‏ی مجلس مؤسسان، ماده واحده‏ی انقراضِ سلطنتِ قاجار و تأسیسِ سلطنتِ پهلوی مصوب و رضا خان پادشاه شد.

بنابراین دست‏های انگلیس در طولِ شش هفت سال، هم با کودتا و هم با خفه کردن صداها و علی رغم مخالفت اشخاصی مثل مرحوم مدرس که با تیزبینی، آینده را پیش بینی کرده بود، رضا خان را از فرماندهی نیروهای قزاق به وزیر جنگی، از وزارتِ جنگ به نخست وزیری و نهایتاً هم سلطنت رساندند و بعدِ یک دوره‌ی شانزده ساله از 1304 تا شهریور 1320 او را از سلطنت برکنار کردند.

#### اهداف انگلیس در ایران

هدفِ اصلیِ انگلیس از روی کار آوردن رضا خان این بود که با توان رضا خان هرج و مرج‏ها پایان یافته و این کشور، یکپارچه به انگلیس سپرده شود؛ هدف دیگر هم این بود که نهاد دین و مذهب به‌طور کلی در جامعه ریشه کن شود؛ این هدف اصلی انگلیس بود.

#### اقدامات رضا خان پس از سلطنت

البته ابتدا رضا خان به نام عزاداری امام حسینعلیه‏السلام و امثالهم آمد ولی به فاصله‏ی چند سال روضه خوانی‏ها تعطیل، عمامه‏ها برداشته، حوزه‏های علمیه بسته و مدارس دینی سرکوب شد و هر نغمه و احساس دین‏خواهی در مردم از بین رفت؛ آرام آرام ظواهر حجاب و عفّت عمومی زیر پا گذاشته شد و به‌تدریج نهاد آموزش و پرورش را به سمتی بردند که یک نسلِ جوانِ وابسته به سیاست‏های بیرونی، تهی از معنویت، اخلاق، علم و دانش تربیت شود.

البته برای حفظ ظواهر هم اقداماتی داشتند؛ مثلاً راه آهن کشیدند، البته مطابق اهداف استعمارگرانه‏ی خودشان یا بعضی پل سازی‏ها و از این قبیل چیزها؛ این وضعی بود که تا شهریور 1320 ادامه داشت و بعد تحولی پیدا شد.

### نتیجه گیری

نکته‏ی مهم این است که ما در یک کشور و یک نقطه‏ی عادیِ دنیا قرار نداریم و کشور ما در طول چندین قرن، به‌خصوص در قرن بیستم، صحنه‏ی تاخت و تاز قدرت‏ها بود و همیشه هم مورد توجه قدرت‏ها برای چپاول این ملت بود؛ یعنی کشور ما و منطقه‏ی خلیج فارس در طولِ قرنِ بیستم، مرکز و کانون سیاست‏ها و توطئه‏های بزرگ جهانی بود؛ منابعِ عظیمِ نفت و ذخایری که اواسطِ قرنِ بیستم برای ایران پیش بینی می‏شد و حتی برای چند دهه‏ی قرن بیست و یکم پیش بینی این است که دنیا به نفت و گاز و بازار کشورهای اسلامی و خلیج فارس نیاز دارد، سبب شد که همه‏ی چشم‏ها به این کشور دوخته شود و بخواهند این کشور را در کنترل خود داشته باشند؛ از یک طرف روسیه که قدرت بزرگی بود و الآن هم هست و از طرف انگلیس و بعدها آمریکا.

اگر کسی تاریخ قاجار، عصر پهلوی و انقلاب را ببیند، می‏فهمد، استقلال و تصمیمِ مستقلّی که ملّت می‏گیرد، از همه چیز ارزشمندتر است و حفظش هم بسیار مشکل است؛ مستکبران ما را رها نمی‏کنند و این ما هستیم که باید ارزشِ معنویت، اخلاق و خودمان را بدانیم و بتوانیم خودمان را در امواجِ طوفانِ بلا که در دنیا بوده است و یک قرن با این کشور بازی کرده است، حفظ کنیم.

جریان عراق و بحرانی که همه چیزش را آمریکا ساخته است، الآن موجود است و اخبار و اطلاعات متفاوتی که هر روز می‏آید، نشان دهنده‏ی اهمیتِ این منطقه است؛ مقام معظم رهبری فرمودند:

«یکی از اهداف اینها این است که اینجا همیشه جای بحران باشد.»

 با این بهانه‏های بحرانی نیروی خودشان را در منطقه‏ی خلیج فارس حفظ می‏کنند، برای اینکه می‏خواهند شاهرگ‏های اقتصادی و بازارهای خودشان در این کشورها گرم باشد؛ این اهداف درازمدت اینهاست.

## توصیه به مردم و نسل جوان

چیزی که برای ما مهم است، این است که روی پای خودمان بایستیم و قوی باشیم، بدانیم کسی به ما کمک نمی‏کند، همان‏طور که انقلابِ این ملت روی داد و طبعاً برای این استقلال، ثمن و بهای سنگینی باید پرداخت؛ نسل جوان ما، باید نسلِ جوانی سیاسی، صاحب رشد و تفکر سیاسیِ عمیق و آشنا به تاریخ گذشته‏ی کشور و توطئه‏های گوناگونی که وجود داشته و بی‌تردید در آینده هم وجود خواهد داشت، باشد ؛ این طور باید باشد تا کشور بتواند روی پای خودش بایستد.

حضور مردم در نماز جمعه‏ها و مراسم‏های مختلف، این نوع آگاهی را باید به مردم بدهد که بدانند، در کجا قرار گرفته‏اند و چطور باید خودشان از دست‏آوردهای انقلاب که یک معجزه‏ی تاریخی بود، حفاظت کنند و این کار مشکلی است ولی ملت ایران نشان داده است که اگر خدا، معنویت و انسجام داشته باشند، بر انجام این کارها توانا است.

## دعای پایانی

امیداوریم خداوند روز به‌روز، بر عزت و عظمتِ این ملت و امت و آگاهی و هوشیاریِ نسلِ جوانِ ما بیفزاید و برای رفع گرفتاری مسلمین، شفای مریضان، مریضان مورد نظر و دفعِ شرِّ دشمنانِ اسلام و برآورده شدن حاجات مشروعه، چند مرتبه آیه‏ی شریفه‏ی «أمن یجیب» را تلاوت می‌کنیم:

**بسم الله الرحمن الرحیم** «**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ**»[[7]](#footnote-7)

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . امامت امام صادقعلیه‏السلام حدود 34 سال بوده است که ده، پانزده یا بیست سال اول، دوره‏ای بود که نسبتاً آزاد بود و امام هم به‌جای پرداختن به مسائلی که شیعیان دیگر به آن می‏پرداختند مانند قیام‌ها و شورش‌های بنی الحسن، امام صریح ایستادند و فرمودند همه‏ی آنها باید کنار گذاشته شود و کمتر به آنها پرداخته شود تا فکر و فرهنگ شیعه در آن زمان تقویت شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. . فاصله‏ی انقراض بنی‏امیه تا استقرارِ کاملِ بنی‏عباس. [↑](#footnote-ref-4)
5. . کوثر (108): کل سوره. [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نمل (27): 62. [↑](#footnote-ref-7)